

# روابط ایران و روم

در عصر هشتصد ساله اشکانیان

رابطه ایران و روم از وقتی شروع میشود که دامنه فتوحات جمهوری به حدود فرات و ارمنستان رسید - در آن زمان ممالک ارمن و آسیای پیشین تا حدود یونان فی ما بین یکجمله از خاندانهای نجیب قسمت شده بود که اکثر آنها ایرانی الاصل بودند - از جمله یکی مملکت پونت بود که شامل قسمت عمده آن ناحیه میشد یعنی از سواحل دریای مغرب و بیزانس و بوغاز دار دائل تا نواحی کاپادوکیه و این مملکت متعلق بود به خاندان مهر داد که از اواخر شاهنشاهی هخامنش به ایالت انجا منصوب شده بودند و در دوره اسکندر بنوعی خود را حفظ کرده مجدداً پس از وی استقلال خویش را بچنگ آوردند - خاندان مهر دادها تابع مذهب ( میترا ) یعنی مهر پرستی بودند و این مذهب در آسیای پیشین بوسیله آنها پایدار مانده تا روم و اروپای غربی رواج یافت - در ایالت کاپادوکیه بطوریکه خود این کلمه که از ریشه ایرانی است نشان میدهد بیشتر طوایف ایرانی نژاد از کرد و ارمنی ساکن و غلبه داشتند اما فلاحین آن کشور اکثر از مردم آثوری و سامی نژاد بودند و هم امروز نیز سکنه انجا تقریباً از همان نژادها هستند . در ایالت کاپادوکیه دو خانواده حکومت یافتند که از باز ماندگان دربار هخامنشی بودند ، در ارمنستان ایبری و کلشیدی که مشمول گرجستان حالیه است نیز

دو بیره از شاهزادگان اشکانی مقرر شده بودند و تیره اشکانیان  
ارمن یکنزمانی اتقدر نیرو گرفته بودند که در صدد استقلال بر آمد  
و با خاندان اصلی که شهنشاهی ایران باشد آغاز رقابت نمود چنانکه  
تیکران پادشاه اشکانی ارمن در برابر شهنشاه اشکانی طغیان نموده  
خویشتن را شاهنشاه لقب داد . هنگامی که جمهوری روم تحت  
قیادت سر داران بزرگ خود مانند پمپی و سیلا و قیصر ، کوس  
جهانگیری کوفت و روبه مشرق دامنه فتوحاتش را امتداد بخشیده  
دولت های مقدونیه و مصر و قبرس و غیر ها را ضمیمه خود  
گردانید حالت ممالکی که در مغرب ایران دعوی استقلال داشتند  
بقراری بود که نموده شد و امادر شام سلطنت احقاد سلوکوس زیر  
قیمومت روم در آمده روبروال میرفت .

رومیان در قدم اول که بجانب آسیا پیش آمدند خود را با مهرداد  
هفتم مشهور به مهر داد کبیر پادشاه پونت مصادف یافتند - پدر  
مهرداد کبیر که مهر داد ششم باشد سابقا با جمهوری روم اتحادی  
بسته و کمک های بی شماری به آن دولت کرده بود و بنا بر خاصیت  
روحی مشرقی و صدق و صمیمیت عنصر ایرانی که در وی بود چنان  
می پنداشت که در ازاء خدمات بزرگ وی و وفاق و یاری مادی و  
معنوی که نسبت به رومیان ثابت نموده است حکومت جمهوری  
علاوه بر آنکه هرگز به ممالک وی چشم طمع نخواهد دوخت در  
تایید سلطنت او و احفادش هر لازمه مساعدت و تقویت را مبذول  
خواهد داشت - و این نشتباهی است که غالبا مردم مشرق از عهد  
قدیم تا امروز نسبت به عنصر اروپائی بروز داده اند غافل از آنکه

اروپائی خواه امروزه که دعوی بشر دوستی دارد و خواه دوهزار  
سال پیش هیچگاه مبادی اخلاقی و فضایل معنوی را چه در حیات فردی  
و چه اجتماعی دستور معیشت خود نساخته است و در کار زندگانی جز  
منافع مادی را بمعلمی نشناخته است

مهر داد ششم وقتی مرد که فرزندش بعد رشد نرسیده بود از  
این رو طمع سرداران جمهوری بعد اعلی تحریک شد - درباریان و فا  
دار پادشاهی از بیم آنکه شخص پادشاه مورد غدر و خیانتی گردد ویرا  
بیلگی از قلاع محکمه‌ای که سمت مشرق مملکت بود انتقال دادند و  
مهر داد هفتم تحصیلات خود را در آن قلعه پایان برد - مورخین رومی  
نوشته اند که وی بیست و دو زبان خارجی میدانسته و خویشتن شعر  
میسروده و تالیفاتی به دو زبان ایرانی و یونانی بوی نسبت داده اند و  
نیز مشهور است که در همان قلعه از بیم خیانت خائنین خود را با اصول  
تدریجی سموم مختلفه عادت داده است - اینست که امروزه اصول  
تدریجی عادت کردن بسموم را در اصطلاح طبیبی (میتز یدادیک) بروسه سموم آسانی و مطابقت ترکیب  
مینامند یعنی قاعده مهر دادی - وقتی مهر داد در سن ۱۹ سالگی بپایتخت  
خودش برگشت مملکتی دید که با اصول سلمی زیر تسلط رومیان رفته  
است - در غالب شهرها نمایندگان جمهوری بدون داشتن عنوان رسمی  
حکومت میکردند - در سواحل مختلفه سپاهیان روم اردوگاه ساخته و  
حتی در بسیاری از شهرهای داخلی نیز قراول گذارده بودند و بالاخره  
اوضاع چنان بود که امکان داشت شخص مهر داد هر گاه کمترین اثر  
تعرض و تشکی روز دهد در منتهای سهولت دستگیر شده روانه روم  
گردد - در اینحال پادشاه جوان دانست که جز تدبیر و احتیاط چیزی

ویرانمی رهند این بود که چندتن از وفا دارترین چاکران را روانه مشرق کرد تا در حدودی که از آمد و رفت رومیان برکنار است به تجهیز سپاه پردازند و شخصاً به بهانه طغیان عشایر گل که تازه بحدود آسیای صغیر رسیده بودند از پایتخت بیرون شده در نواحی مرکزی مملکت مشغول کار شد - در آن زمان مهرداد بنابروساطت و زرای دانشمند خود با تیگران پادشاه اشکانی از منستان موصلت کرده دختر ویرا گرفت.

### فریدالدین عطار صاحب بلبل نامه

حکیم فریدالدین عطار نیشابوری در سال ۱۱۵۰ میلادی در شهر نیشابور و عهد سلطان سنجر سلجوقی متولد شد . پدرش عطار و فریدالدین بهمین مناسبت عطار تخلص نموده است . پدرش پس از مرگ خود دکان عطاری را برای او به ارث گذاشت و فریدالدین کار پدر را تعقیب می نمود . عطار در کتاب اسرار نامه خود می گوید که غالب تالیفات خود را در دکان پدری نوشته است .

فریدالدین عطار در مشرق زمین مسافرت های بسیاری نموده منجمانه به هندوستان و مصر سفر کرده پس از بازگشت مجدداً در نیشابور اقامت گزیده است . منظومه کوچک خطی ( در موزه شرق آکادمی علوم روسیه است ) که به بلبل نامه خود الحاق نموده می نمایاند که عطار در آن اوقات متاهل بوده و انتظار داشته که خداوند پسری باو عطا فرماید .

ظاهراً پس از تاهل عطار باید انتظار داشت زندگی آرام خانوادگی خود را تا آخر عمر ادامه داده باشد ولی قضا و قدر نوع دیگری سر نوشت او را تعیین کرد .